

پیشگام نهضت فرهنگی ایران

بیست و نهم آذر سالروز درگذشت حسن رشدیه از پیشگامان نهضت فرهنگی ایران است، بزرگمردی که در راه مبارزه با جهل، بی سواد و برقراری آزادی در جامعه از هیچ کوششی فرو گذاری نکرد و با تلاش فراوان توانست خدمات فراوانی را به جامعه ایران ارایه دهد.

بیست و نهم آذر سالروز درگذشت حسن رشدیه از پیشگامان نهضت فرهنگی ایران است، بزرگمردی که در راه مبارزه با جهل، بی سواد و برقراری آزادی در جامعه از هیچ کوششی فرو گذاری نکرد و با تلاش فراوان توانست خدمات فراوانی را به جامعه ایران ارائه دهد.

میرزا حسن تبریزی مشهور به رشدیه در چهاردهم تیر 1230 هجری خورشیدی در تبریز دیده به جهان گشود و پس از گذراندن مقدمات تحصیل در زادگاه خود به بیروت رفت و در دارالمعلمین به یادگیری شیوه های نوین آموزش مشغول شد. او در آن دیار سبک نوین آموزش الفبا، هندسه، حساب، تاریخ و جغرافیا را با تلاش فراوان آموخت.

میرزا حسن تبریزی پس از 2 سال تحصیل در بیروت راهی استانبول شد و از چندین مدرسه آن شهر بازدید کرد و با شیوه های آموزشی آنها آشنا شد، در آنجا به طرح نقشه هایی برای تعلیم و تربیت کودکان همت گماشت و مشکلات تدریس زبان فارسی را برطرف کرد و موفق شد، الفبای صوتی را اختراع کند.

پس از آشنایی کامل با اسلوب و آموزش الفبا به روش تازه به دعوت ایرانیان ساکن ایروان به آنجا رفت و در 1262 هجری خورشیدی، نخستین مدرسه به سبک جدید را بنیان نهاد و با چاپ کتاب وطن دیلی (زبان وطن) به ترکی توانست با روش تازه ی خود، خواندن و نوشتن را در مدت کوتاهی به نوآموزان بیاموزد. در این کتاب به منظور یادگیری مفهوم های گوناگون در ذهن کودکان به صورت گسترده از ضرب المثل ها و حکم استفاده شده بود و آموزگاران مفاهیم جدید را با بهره گیری از آنها به کودکان انتقال می دادند. کتاب وطن دیلی به زبانی ساده و روان نوشته شده و دارای جمله های کوتاه، ساده و قابل درک بود و این امر عامل مهمی در یادگیری و شکل گیری علاقه به درس در میان کودکان محسوب می شد.

ناصرالدین شاه در هنگام بازگشت از سفر خود به اروپا با مشاهده ی مدرسه ی رشدیه در ایروان، از این پیشگام نهضت فرهنگی ایران خواست تا برای برپایی مدرسه به شیوه ی نوین به ایران بیاید. به همین منظور وی در سال های 1266 تا 1267 هجری خورشیدی، نخستین مدرسه ی ابتدایی را در محله ی ششگلان در مسجد مصباح الملک تبریز با شهریه ی برجی از پنج قران تا یک تومان برپا کرد و برای پذیرش شاگرد در این مدرسه شرایطی همچون هفت تا 10 سال سن، نداشتن بیماری های مسری و آبله کوبیده بودن، مبتدی و نوآموز را مشخص کرد.

اما این حرکت سازنده با مخالفت سنت گرایان روبه رو شد و بد خواهان که این شیوه ی نوین را در تضاد با اصول قدیم آموزش می پنداشتند، نتوانستند این موضوع را تحمل کنند و علیه او اقدام های فراوانی انجام دادند تا جایی که با حمله به این مدارس آنها را به تعطیلی کشاندند و حکم به تکفیر حسن رشدیه دادند.

میرزا حسن رشدیه که به شکل گیری تحول در نظام آموزشی کودکان ایران اعتقاد کامل داشت، دست از تلاش و کوشش برنداشت، زیرا وی می خواست مرزهای کهنه پرستی را فرو ریزد تا کودکان با ذهنی آرام و سرشار از امید و نشاط در راه علم آموزی گام بردارند و به همین منظور و برای دستیابی به هدف خویش از ایران خارج و راهی قفقاز شد تا آن که با انتخاب امین الدوله به عنوان والی آذربایجان، با درخواست او، به تبریز بازگشت و مدرسه ی تازه ای را در این شهر برپا کرد که به دلیل حمایت های امین الدوله، مخالفان نتوانستند کاری علیه این جریان انجام دهند. والی آذربایجان در دیدار با حسن رشدیه گفته بود: «اگر بخواهم به مملکت خدمت کنم، توسعه ی فکر شما نخستین گام از اقدام های من خواهد بود.»

هنگامی که میرزاعلی خان امین الدوله، صدراعظم ایران شد، میرزا حسن رشدیه نیز با پشتوانه ی او به تهران آمد و مدرسه هایی را با نام مدارس رشدیه در این شهر بنیان نهاد. اما پس از برکناری امین الدوله و قدرت یافتن امین السلطان، مدرسه های وی دگر بار تعطیل شدند و حسن رشدیه برای در امان ماندن از مخالفان به قم رفت و تا آخر عمر در آنجا روزگار گذراند.

پدر فرهنگ نو ایران از خویش آثاری همچون وطن دیلی، هدایت التعلیم فی اصول تدریس بدایه التعلیم، نهایه التعلیم، تاریخ شفاهی، جغرافیای شفاهی، شریعات ابتدایی، تربیت البنات، تحفه الصبیان و صد درس را به یادگار گذاشته است.

این آموزگار بزرگ در کنار امور فرهنگی به فعالیت های سیاسی نیز می پرداخت و یکی از چهره های برجسته ی آزادیخواه به

شمار می رفت. او انجمن «تنویر افکار» را بنیان نهاد و به عضویت انجمن سری «غیرت» درآمد و به شبنامه نویسی و روزنامه نگاری پرداخت. حسن رشدیه روزنامه های «مکتب» و «طهران» را منتشر ساخت.

حسن رشدیه با تحمل سختی ها و مشکلات فراوان، هرگز دست از اهداف خویش برنداشت و هدف های والایش همچون مبارزه با جهل، بی سوادی و برقراری آزادی در جامعه را با وجود کار شکنی های بسیار دنبال کرد و موفق شد سرمنشا خدمات زیادی برای ایرانیان باشد و در پیشرفت های آموزش و پرورش کشور نقشی انکار ناپذیر ایفا کند.

این معلم کوشا تمام زندگی اش را وقف فرزندان این مرزو بوم کرد و سرانجام در بیست و نهم آذر 1323 هجری خورشیدی در شهر قم درگذشت و به دیدار حق پیوست.

حسن رشدیه در وصیت نامه ی خویش این گونه نوشته بود: «مرا در محلی به خاک بسپارید که هر روز شاگردان مدارس از روی گورم بگذرند و از این بابت روحم شاد شود.»

انجمن آثار و مفاخر فرهنگی به پاس سال ها فعالیت علمی و فرهنگی حسن رشدیه در مراسمی در سی ام آبان ۱۳۸۶ هجری خورشیدی، وی را به عنوان یکی از مفاخر ایران زمین معرفی کرد.

با الهام از: مفاخر آذربایجان